

پیشگیری از جرم نزاع در حقوق کیفری ایران

علیرضا خاکپور

دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، مرکزی، ایران

چکیده

جرم پدیده‌ای اجتماعی است که با وجود اشکال گوناگونش براساس اقتضانات تاریخی، قرابت با محیط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، ریشه‌داشتن در فرهنگ و بسیاری مؤلفه‌های دیگر در محیط‌های وقوع در تمامی جوامع به چشم می‌خورد، امری عادی و طبیعی در جوامع است و می‌توان آن را کنترل و کاهش داد ولی ریشه‌کن کردن آن ممکن نیست. بنابراین جرم یا بزه یکی از پدیده‌های جوامع بشری است که انسان در زندگی اجتماعی با آن روبه‌رو بوده و هست. جوامع هیچ‌گاه از این پدیده تهی نبوده و همواره امنیت و آسایش آن را تهدید کرده است. نزاع یکی از پدیده‌های مجرمانه شایع در جوامع از گذشته تا به حال محسوب می‌شود. این جرم از جمله جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص است که حقوق ایران در ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) پیش‌بینی کرده است. در زمینه راه‌کارهای پیشگیری اجتماعی از جرم، ابزارها و روش‌هایی همچون ایجاد هماهنگی و یکپارچگی فرهنگی و رواج سنت میانجیگری از یک سو و تجدیدنظر در مجازات‌های مقرر قانونی مذکور در ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی از حیث ایجاد خصلت بازدارندگی از سوی دیگر، در سیاست جنایی ایران ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: جرم، نزاع، منازعه، پیشگیری، حقوق کیفری ایران

-مقدمه

جرم یک پدیده نامطلوب اجتماعی است که وقوع آن ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه را متأثر می‌سازد به گونه‌ای که رشد آن موجب تقویت روحیه قانون‌شکنی و تجاوز به حقوق مردم، اخلال در نظم و امنیت عمومی و کاهش انگیزه تولید و سرمایه‌گذاری نزد عوامل خصوصی و عمومی می‌شود. یکی از جرایمی که این روزها امنیت اجتماعی، اقتصادی و روانی شهروندان را تهدید می‌کند و به نوعی با نظم و امنیت کشور در ارتباط است نزاع می‌باشد. (مداح، ۱۳۹۰، ۲۳۰)

هنگامی که جرم -یعنی رفتاری ضدا اجتماعی- ارتکاب می‌یابد حاکمیت عمومی وظیفه دارد با توسل به شیوه‌های متناسب و مؤثر ضمن پیشگیری از وقوع و تکرار آن در آینده لزوم احترام به احکام و دستورهای خود را بار دیگر به شهروندان گوشزد کند. با وقوع جرم، عکس‌العمل جامعه یا به صورت مجازات است یا اقدام تأمینی. (وجدانی فخر، همکاران، ۱۴۰۱، ۱۶۱)

در بین جرایم علیه اشخاص که شدیدترین آن‌ها قتل عمدی محسوب می‌شود، جرم منازعه از برجستگی خاصی برخوردار است. این جرم از اوان تشکیل اجتماعات بشری، مبتلابه جوامع بوده است. ویژگی خاص این جرم، بروز و ظهور آن به حد وفور در جوامع توسعه‌نیافته و فاقد فرهنگ پیشرفته اجتماعی است. در جوامعی که زور و قلدری جانشین منطق و استدلال برای حل اختلافات بشری به‌عنوان یک امر طبیعی جلوه می‌کند، ملاحظه نزاع دسته‌جمعی، شیوع قابل توجهی را در جامعه نشان می‌دهد.

ادبیات پژوهش**-جرم**

بر اساس ماده ۲ قانون مجازات اسلامی «هر فعل یا ترک فعل و یا فعل ناشی از ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.» همان‌گونه که ماده فوق‌الذکر مقرر می‌دارد احراز جرم صرفاً ناشی از انجام فعل نیست؛ ترک فعل هم در قانون مجازات اسلامی مصداق ارتکاب جرم است.

همان‌گونه که اقدام منفی به صورت فعل هم مشمول مجازات است انجام ندادن یک فعل و عدم اقدام به آن هم قابلیت پیگیری کیفری دارد و مجازات خاص خود را هم خواهد داشت. «جرم عمل یا خودداری از عملی است که مخالف نظم و صلح و آرامش اجتماع بوده و از همین حیث مجازاتی برای آن تعیین نموده باشد.» انجام تخلف و جرم از ناحیه افراد عموماً به صورت مختلف صورت می‌گیرد و بر اساس آن مجازات‌های مربوط به جرائم در قانون مدون شده است.

«جرم مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت یا ارتکاب عملی است که به تباهی فرد یا جامعه بیانجامد. هر جرم را کیفری است که شارع بدان تصریح کرده یا اختیار آن را به ولی سپرده است.» همان‌گونه که مشخص است فردی که مبادرت به ارتکاب جرمی می‌کند قانون حسب جرم ارتکابی، مجازات خاص خود را برای شخص خاطی در نظر گرفته و متخلف را به مجازات مقرر در آن محکوم می‌کند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ۱۶۵)

-پیشگیری

برخی جرم‌شناسان واژه پیشگیری را به معنای پیش‌دستی کردن و یا آگاه کردن و هشدار دادن آورده‌اند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۷، ۱۳۵)؛ پیشگیری از وقوع جرم یعنی پیش‌بینی، شناخت و ارزیابی خط جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا تقلیل آن که این اقدام می‌تواند سرکوب گریا غیرسرکوبگر باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۱، ۳۶)؛ در مقررات ایران اصطلاح پیشگیری از جرم

تعریف نشده و تنها نویسندگان لایحه پیشگیری از وقوع جرم آن را از رهگذر ماده ۱، پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن تعریف کرده‌اند.

-پیشگیری کنشی و گونه‌های آن

پیشگیری در اصطلاح جرم‌شناسی یعنی جلوگیری از بزهکاری با شیوه‌های گوناگونی که بیرون از نظام کیفری به کار می‌روند بنابراین پیشگیری در جرم‌شناسی، تدابیر کنشی است. این تدابیر پیشگیری که به‌طور جدی برای اولین بار از سوی یکی از پرچم‌داران مکتب تحقیقی یا اثباتی مطرح شد از اقدامات پیشگیری واکنشی جدا می‌شود.

پیشگیری کنشی شامل آن دسته از تدابیر غیرکیفری است که پیش از ارتکاب جرم و گذار اندیشه به فعل از طریق مداخله در اوضاع و احوال پیش‌جنایی انجام می‌شود. به عبارت دیگر پیشگیری کنشی با مداخله به موقع بر روند تعامل علل تأثیرگذار و از طریق خنثی‌سازی یا حذف علل و عوامل مؤثر، مانع تحقق نتیجه می‌شود.

طبقه‌بندی جدید پیشگیری از جرم که در جرم‌شناسی امروزی از اواخر قرن بیستم به کار برده شده شامل پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی است. در این دو نوع، مفهوم مضیق پیشگیری مدنظر است و فقط تدابیر غیرکیفری را در بر می‌گیرند. در این مفهوم، پیشگیری به مجموعه راهکارهایی اطلاق می‌شود که برای مهار بزهکاری از دو طریق مورد استفاده قرار می‌گیرند:

۱. از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا (پیشگیری اجتماعی)

۲. از طریق اعمال مدیریت نسبت به عوامل محیطی و فیزیکی جهت کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم (پیشگیری وضعی)

-پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی مبتنی بر علت‌شناسی جرم است و مستلزم قبول این واقعیت است که عوامل مختلفی در تکوین جرم نقش دارند. در این پیشگیری توجه زیادی به علل بنیادی وقوع جرم می‌شود و بر این عقیده استوار است که جرایم در اثر نارسایی‌های اجتماعی به‌وقوع می‌پیوندند. هدف پیشگیری مذکور این است که به‌طور مستقیم از مجرم شدن افراد یعنی تبدیل بزهکاران بالفعل جلوگیری نماید و مجرمان بالفعل و بالقوه را از خطاهای آنی منصرف کند. سیاست‌های اجتماعی پیشگیری از جرم در طیف وسیعی از سیاست‌های اجتماعی مؤثر در تکوین جرم مانند سیاست‌های خانواده، آموزش و پرورش، اشتغال، بهداشت، مسکن و طراحی نواحی شهری و روستایی و مانند این‌ها قرار می‌گیرد. در این روش، در محیط مداخله می‌شود تا جرم‌زایی و مجرم‌پروری کاهش یابد. این محیط‌ها می‌تواند خانواده (ارتباط با والدین، محیط تشنج، گسست خانواده، تأثیر رفتار والدین، تأثیرات روابط عاطفی و...) یا مسکن باشد که خود دو بخش اصلی دارد: مسکن انتخابی (خانواده، شخص، شغل، تفریح، ارتباط جمعی، گروه‌های سازمان‌یافته، باندهای گروهی (و تحمیلی) محل تحصیل، سربازی، اردوها، زندان‌ها و...) لذا پیشگیری اجتماعی شامل اقداماتی است که به کلیه محیط‌های پیرامون فرد که در فرآیند جامعه‌پذیری و اجتماع‌پذیری نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی هستند.

-گونه‌های پیشگیری اجتماعی

در پیشگیری اجتماعی به‌دنبال هماهنگ‌سازی اعضای جامعه با قواعد اجتماعی هستیم. محور اقدامات است در این نوع پیشگیری فرد است. به دیگر سخن، پیشگیری اجتماعی، «مجرم‌مدار» و «فردمدار» است زیرا کلیه اقدامات روی فرد یا محیط وی صورت می‌گیرد. به این ترتیب پس از شناسایی و تعیین علل اجتماعی ارتکاب بزه، اقدام به برنامه‌ریزی و سیاستگذاری به‌منظور از بین بردن این علل و اصلاح آن‌ها می‌نماید؛ بنابراین شیوه‌های پیشگیری اجتماعی بیشترین تمرکز را بر روی برنامه‌ها و سیستم‌های تکمیلی دارد که سعی در بهبود وضعیت بهداشت، زندگی خانوادگی، آموزش، مسکن، فرصت‌های شغلی

و اوقات فراغت دارند تا با ایجاد محیطی سالم بتواند به هدف ایده‌آل خود مبنی بر حذف یا کاهش جرم دست یابد. پیشگیری اجتماعی به دو نوع جامعه‌مدار و رشد‌مدار تقسیم می‌شود.

-پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار

پیشگیری جامعه‌مدار، دربرگیرنده تدابیر و اقداماتی است که هدف آن کاهش یا حذف علل جرم‌زا در محیط اجتماعی است و در اصل برای تغییر شرایطی که به وقوع بزهکاری در اجتماعات محلی و مسکونی کمک می‌کنند طراحی می‌شود. دانشمندان معتقدند هرگونه تغییری که در شرایط و مقتضیات محیط اجتماعی به وجود بیاید مستقیماً بر روی فرد اثر می‌گذارد و به جرایم مختلف شکل می‌دهد یا آن‌ها را از بین می‌برد. جرم‌شناسی، واکنش‌های یک فرد ناسازگار را نتیجه شرایط نابهنجاری می‌داند بنابراین اگر شرایط محیط مساعد و سالم باشد رفتارها بهنجار است در غیر این صورت، ناسازگاری افراد به هیچ‌وجه غیرمنتظره نیست.

-نزاع

منزاع، مصدر باب مفاعله در لغت به معنای مخاصمه و دشمنی کردن دوجانبه و در اصطلاح به معنای مشارکت در زد و خورد استعمال شده است. در ضرورت جرم‌انگاری منازعه بر مبنای حفظ نظم عمومی و رفاه اجتماعی از یک‌سو و پیشگیری از وقوع هرگونه جنایت علیه نفس و مادی آن از سوی دیگر و در چارچوب اصل مداخله کیفری حداقلی، تردیدی وجود ندارد. (آقایی‌نیا، ۱۳۹۲، ۳۳۳)

-مرتکبان جرم

بزه منازعه در طبقه جرایم گروهی است و هیچ فردی به تنهایی قادر به ارتکاب آن نیست به علاوه این بزه اختصاص به اشخاص حقیقی دارد و نمی‌توان اشخاص حقوقی را در شمار فاعلان اصلی این جرم قلمداد کرد. درعین حال در مورد تعداد و ترکیب مرتکبان آن ابهاماتی وجود دارد.

نخست- در تعداد منازعین با توجه به واژه «عده‌ای»، بین حقوقدانان اختلاف نظر است. برخی درگیری فیزیکی دو نفر و برخی منازعه حداقل سه نفر را برای تحقق آن لازم دانسته‌اند. (رحمدل، ۱۳۸۷، ۵۷) و در رویه قضایی گاهی تحقق نزاع دسته‌جمعی را منوط به حضور جمعی بیش از دو نفر از هر طرف نزاع شمرده است. (دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۹۰۰۵۷ مورخ ۱۳/۳/۱۳۹۲ صادره از شعبه ۳۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران). اداره حقوقی قوه قضائیه نیز معتقد به وجود حداقل دو نفر از هر طرف و مجموعاً چهار نفر است (نظریه شماره ۱۳۶۹ / ۹۵ / ۷ مورخ ۱۳۹۵/۹/۶). از آنجا که واژه عده عرفاً برای بیش از دو نفر به کار می‌رود دیدگاهی مرجح است که وقوع این بزه را منوط به مشارکت حداقل سه نفر به صورت همزمان می‌داند. برخی معتقدند در محاسبه تعداد بزهکاران این جرم تفاوتی میان اشخاص از جهت اهلیت جزایی نیست و شامل افرادی نظیر اطفال و مجانین نیز می‌شود. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶، ۳۶۵)

-کیفر و مجازات

در حقوق جزا صحبت از کیفر و مجازات می‌شود. کیفر یا مجازات به تحمیل عملی رنج‌آور بر شخصی دیگر گفته می‌شود که پیامد عمل آن شخص باشد. این واژه بیشتر به تنبیهات و جریمه‌هایی اشاره دارد که مقامات قضایی برای افرادی در نظر می‌گیرند که مقررات مهم جامعه را پایمال کرده‌اند یعنی مرتکب جرم شده‌اند و یا در تعریفی کامل‌تر، مجازات یا کیفر به معنای این است که اگر کسی عمل خلاف اخلاق عمومی یا عرف و عادت آن جامعه یا خلاف قانون انجام دهد چون آن عمل بد است پس باید عقوبت و پاداش آن عمل را ببیند یعنی تنبیه شود و یا مجازات شود تا هم خود و هم دیگران متنبه شوند و دیگر آن

عمل را انجام ندهند یعنی باید مشقت آن عمل را بچشد و متوجه شود نتیجه آن عمل بد چیست. حال در قانون به ازای هر عمل بد و خلاف که قانونگذار بیان کرده چه امری بد و خلاف است تنبیهی هم بیان کرده که به آن تنبیه مجازات و به آن عمل بد جرم می‌گوییم؛ به‌طور ساده و عامیانه گفته می‌شود اعمالی که ممنوع است و کسی نباید آن را انجام دهد و برای جامعه خطر دارد و حتی برای از بین بردن آرامش مردم خطر دارد و فراتر از آن بیان می‌کنم برای مراودات اجتماعی مردم با مردم و مردم با جامعه و جامعه با مردم و دولت با مردم و مردم با دولت حتی روابط بین‌المللی خطر دارد و در روابط فرهنگی و اجتماعی و روابط اقتصادی خطر دارد که نباید آن را انجام داد و چنانچه هر کس آن عملی را که قانون‌گذار آن را خلاف می‌داند و به‌عنوان واژه جرم بیان کرد مرتکب جرم شده و قانون‌گذار برای آن مجازات تعیین کرده و مقدار مجازاتش را پیش‌بینی کرده است که بدیهی‌ترین روش برای جلوگیری از آن عمل جرم و خلاف، همین مجازات پیش‌بینی شده است. در بیان ویژگی‌های حقوق کیفری باید گفت با دقت در مفاهیم این رشته از حقوق می‌توان خصوصیات ذیل را برای آن بیان کرد:

(۱) نظارت بر مجازات‌ها: دولت موظف است با وضع مقررات کیفری، نظم عمومی را حفظ نموده و بنا به اهمیت حفظ نظم در جامعه، حقوق جزا ضمن نظارت بر نحوه اجرای مجازات‌ها، این مقررات را با زبان آمرانه قانونی تأمین می‌کند.

(۲) ضمانت اجرای مقررات عمومی: دولت برای این که بسیاری از امور حقوقی، مدنی و تجاری به‌درستی در جامعه اجرا شود از حقوق جزا به‌عنوان ضمانت اجرایی محکمی در کنترل و برخورد با جرایمی نظیر تقلب در کسب و تجارت، گران‌فروشی، چک بلامحل و ترک انفاق استفاده می‌کند.

(۳) مسئولیت اعاده حیثیت افراد: در دعاوی کیفری برخلاف دعاوی مدنی، حیثیت، شرف، آزادی و جان افراد به‌خطر می‌افتد لذا حقوق جزا متکفل اعاده حیثیت و شرف افراد و حفظ آزادی، جان، مال و ناموس افراد جامعه است.

(۴) تناسب مجازات کیفری با شخصیت افراد: برخلاف دعاوی مدنی که شناسایی طرفین دعوا اهمیتی ندارد، در دعاوی کیفری شناخت شخصیت واقعی متهم و پی‌بردن به انگیزه‌های ارتکاب جرم، دارای اهمیت فوق‌العاده است. در حقوق جزا میزان مجازات مجرمین بستگی به نوع جرم دارد که باید عناصر تشکیل‌دهنده آن برای احراز مجرمیت متهم در نظر گرفته شود و گرنه متهم چه بسا تبرئه شده و مجازات نشود. (حاجی‌تبار، ۱۶۰، ۱۳۸۶)

- یافته‌های تحقیق

- علل و عوامل جرم منازعه

رفتارهای مجرمانه شامل رفتارهایی می‌شوند که از الگوهای مطلوب رفتاری جامعه فاصله گرفته و نگرش منفی جامعه را به‌دنبال دارند. این رفتارها ممکن است از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از زمانی به زمان دیگر دچار تحول شوند. هنگامی که یک انحراف اجتماعی توجه مقنن را به خود جلب کند ممکن است به‌عنوان یک انحراف صرف تلقی نشود و از طرف قانون‌دارای وصف مجرمانه شناخته شود. جرم علاوه بر اینکه به‌عنوان موضوع حقوق جزایی مطالعه می‌شود بلکه موضوع علم دیگری به نام جرم‌شناسی نیز می‌باشد. مرحوم دکتر کی‌نیا در تعریف جرم‌شناسی این‌گونه بیان داشته است: جرم‌شناسی دانش نوینی است که برای شناخت علل یا عوامل جرم‌زا و ارزیابی میزان تأثیر نیک و بد آن‌ها در یک جامعه و شناسایی کامل تبه‌کاران و انگیزه‌های آن‌ها در ارتکاب جرم، می‌کوشد و درمان تبه‌کاران و پیشگیری از وقوع جرم، هدف غایی آن است. شناخت علل و عوامل جرم‌زای منازعه و پیشگیری از وقوع این جرم در زمره موضوعات جرم‌شناسی بوده و می‌تواند در تدوین سیاست جنایی مدبرانه که اتخاذ تدابیر لازم را در مهار جرم اعم از کیفری و غیر آن‌ها طلب می‌کند، واجد اهمیت مخصوص برای دست‌اندرکاران تدوین سیاست جنایی ایران باشد. (کی‌نیا، ۱۳۸۴، ۸۲)

-علل و عوامل اجتماعی جرم‌زا

تأثیر عوامل اجتماعی در ایجاد شخصیت بزهکار با توجه به عوامل فردی به‌عنوان زیربنای شخصیت از اعتبار بسیاری برخوردار است. محیط شخصی بزهکار، فرهنگی که در آن رشد نموده و همچنین محیط اقتصادی از جمله عوامل انکار ناپذیرند که در ارتکاب بزه باید مورد توجه قرار گیرند. می‌توان علل اجتماعی مؤثر در بروز جرم مزبور را به شرح ذیل مطرح کرد.

الف - مهاجرت و اختلاف فرهنگی

مهاجرت‌های بی‌حساب و حرکت دائمی مردم از منطقه‌ای به منطقه دیگر یکی از عوامل مهم در ازدیاد جرایم است. مهاجران به‌سختی می‌توانند خود را با شرایط اجتماعی و حیات جدید و فرهنگ آن منطقه سازگار کنند. مهاجرین از طریق جانداختن و تثبیت موقعیت خود گاهی رفتاری خلاف انتظار از خود بروز می‌دهند و البته این امر درباره نسل اول مهاجران، اندک است و نسل‌های بعد که خود را در آن منطقه صاحب حق و آب و گلی یافتند زیادتر می‌شود. در حوزه‌های جوامع شهری، روابط اجتماعی بر اساس منافع شخصی است. ناراحتی‌های شخصی فرد در جامعه شهری زمانی به اوج خود می‌رسد که تحرک و جابه‌جایی جمعیت افزایش یابد و افراد در جوامع جدید، خود را بیگانه و تنها احساس کنند. بیگانگی در مهاجران تا جایی می‌رسد که برادر و خواهر هم همدیگر را فراموش می‌کنند. در نتیجه انسان مهاجر در جوامع شهری به موجودی مبدل می‌شود که فقط هدف اساسی و اولیه او ارضای نیازهای شخصی خودش است چون هر کس فقط خود را مسئول تأمین زندگی خود می‌داند و هیچ‌گونه وابستگی گروهی و اجتماعی دیده نمی‌شود. به‌همین دلیل فرد مهاجر در جامعه جدید دچار ناراحتی و عقده‌های زیادی می‌شود و عصبانیت و پرخاشگری وی تقویت می‌شود اما چون قادر نیست این پرخاش را بروز دهد و همچنان با تحقیر روبه‌رو است از این‌رو عصبانیت و پرخاشگری آرام آرام در وی تقویت می‌شود و به‌صورت برخورد و نزاع با دیگران بروز می‌کند. (احمدی، ۱۳۸۸، ۱۲۸)

ب- فقر و بیکاری

نتیجه دیگری که از مهاجرت حاصل می‌شود فقر و بیکاری است. بدیهی است اوضاع نابسامان اقتصادی و تضاد فرهنگی، مهاجرین و خانواده‌های آنان را در شرایط بسیار نامناسب قرار داده و استعداد ناسازگاری و بزهکاری آنان را افزایش می‌دهد. فقر یکی از عوامل جرم‌زاست. فقر می‌تواند به‌طور مستقیم و غیر مستقیم فضیلت‌های جوامع انسانی را نابود کند و استعدادهای آدمیان را تباہ سازد. بین بحران‌های اقتصادی و افزایش بعضی از گونه‌های تبهکاری، یک همبستگی مثبت وجود دارد و آمارها نیز اغلب، آن را تأیید کرده است. بحران‌های اقتصادی با تأثیرگذاری بر تغییرات مواد مصرفی و ضروری اولیه، تغییرات قدرت خرید و افزایش بیکاری بر تبهکاری و بزهکاری می‌افزاید. فقر و بیکاری می‌تواند منتهی به فقر فرهنگی و مانع از تعلیم و تربیت شده و بی‌سوادی را دامن زند. درصد قابل توجهی از منازعه‌کنندگان دارای فقر فرهنگی و بی‌سواد یا کم‌سواد هستند و این خود تأثیر این موضوع را به‌عنوان عاملی اجتماعی در بروز نزاع مبرهن می‌سازد. (نجفی‌توانا، ۱۳۸۱، ۲۲۵)

- علل و عوامل طبیعی (تأثیر فصول گرما و سرما)

اندیشمندان در شناسایی عوامل بروز تبهکاری دریافته‌اند که انسان، مکان و زمان، سه عنصر اصلی مؤثر در شکل‌گیری جرم است بنابراین تفاوت در ساختار مکانی، زمانی و رفتاری، توزیع نابرابر جرایم را در سطح شهر در پی دارد. بزهکاران در انتخاب محل و زمان جرم، کاملاً منطقی و سنجیده عمل می‌کنند و تنها مکان‌های خاصی را برمی‌گزینند. برخی فضاهای شهر، مستعد و تسهیل‌کننده بزهکاری و برخی مانع و بازدارنده آن هستند. مستند این دیدگاه، قانون حرارتی کتله است. به موجب این قانون، آدم‌کشی‌ها و جنایات دیگر علیه اشخاص، در نواحی جنوب به‌ویژه به هنگام فصول گرما بیشتر رخ می‌دهد، جنایات علیه

اموال در نواحی شمال و به هنگام فصول سرما زیادتر اتفاق می افتد. در خصوص منازعه نیز این امر صادق است البته در این مورد باید به شرایط و اوضاع و احوال محیط از قبیل محل وقوع جرم (شهر، روستا، کوهستان، قمارخانه، کافه، رستوران) و زمان وقوع جرم (شب، روز، فصل، روزهای تعطیل) توجه کرد. منازعه در فصل گرما به خصوص در تابستان بیشتر از فصول دیگر اتفاق می افتد؛ محل وقوع آن هم در بیشتر موارد، خیابان‌ها است. (کی‌نیا، ۱۳۵۶، ۲)

– علل و عوامل جرم‌زای فردی

در کنار علل اجتماعی، علل دیگری نیز وجود دارند که در پیدایش و رشد منازعه چندان بی‌تأثیر نیستند. این علل در ساختار شخصیتی و جسمی فرد ریشه دارند. چند مورد از عوامل فردی و درونی مؤثر در جرم منازعه عبارتند از:

الف- تأثیر جنسیت

شکی نیست که در هر جامعه تعداد مردان بزهکار به مراتب بیش از زنان تبه‌کار آن جامعه است. نگاهی به جمعیت زندان‌ها و آمار زندانیان مرد و زن در کشورهای مختلف مؤید این حقیقت است که اختلاف بسیار فاحش بین تعداد مردان و شمار زنانی که تحت تعقیب کیفری قرار گرفته و محکومیت جزایی یافته‌اند وجود دارد. برخی نویسندگان دلیل عدم حضور زنان در آمار و تحلیل‌های جرم‌شناختی را محصول طرز تفکری می‌دانند که در دوران قدیم نسبت به آن‌ها وجود داشته است. منازعه به‌خاطر وجود خشونت و جنایت در آن، از جمله جرایم مردانه محسوب می‌شود و محل وقوع آن نیز بیشتر ملأعام و خیابان‌ها است. در مورد زنان، محل حادثه بیشتر منازل و زمینه ایجاد آن‌ها عمدتاً اختلافات خانوادگی است. با این وجود، موارد منازعه زنان در خیابان‌ها نیز دور از انتظار نیست که دلیل آن می‌تواند حضور گسترده‌تر زنان در عرصه‌های اجتماعی باشد. در گذشته به‌خاطر محدودیت‌ها و بیشتر حجب و حیای زن بودن، این‌گونه درگیری‌ها در منظر عموم توسط زنان، کمتر صورت می‌گرفت. (رستمی تبریزی، ۱۳۸۸، ۲۸۱)

ب- تأثیر سن

بزهکاری با سن تغییر می‌یابد. کتله دانشمند بلژیکی، این مسأله را خاطر نشان کرده است. سن، مستقیم یا به‌طور غیرمستقیم، تأثیری عظیم و شگرف در فراوانی و شکل جرایم دارد. علمای جرم‌شناسی، دوران زندگی انسان را به چهار مرحله کودکی، جوانی، پختگی و پیری تقسیم کرده‌اند و بر اساس بررسی‌های آماری، شروع تبه‌کاری را از ۱۲ سالگی می‌دانند که تا ۱۸ سالگی افزایش آن چندان محسوس نیست. از ۱۸ تا ۲۵ سالگی فعالیت جنایی فزونی می‌یابد و از ۲۵ تا ۳۰ سالگی رقم تبه‌کاری، باز هم بالاست. نوع تبه‌کاری هم بر حسب سن متفاوت است. سن افراد شرکت‌کننده در نزاع نیز متغیر است. دلیل آن تعداد زیاد افراد شرکت‌کننده در ارتکاب این جرم است که ممکن است از نوجوان گرفته تا سالمند در وقوع جرم مزبور شرکت داشته باشند. با این حال بیشتر، جوانان و نوجوانان قربانیان اصلی این جرم هستند زیرا به نظر می‌رسد که حس انتقام‌جویی و در نتیجه میزان درگیر شدن در نزاع در جوانان بسیار شایع‌تر از سنین بالاتر است. (کی‌نیا، ۱۳۸۴، ۱۸۶)

پ- اختلالات روانی

در خصوص اختلالات روانی و تأثیر آن بر ارتکاب جرم، مطالعات زیادی صورت گرفته است. در اکثر این مطالعات، مشاهده شده که ارتکاب به جرم در بیماران روانی نسبت به افراد عادی بیشتر است. در بعضی از این مطالعات تأثیر اختلالات روانی بر جرایم خشونت‌بار، شایع‌تر گزارش شده است. به‌عنوان نمونه در مطالعه‌ای که در خصوص ۱۳۰ بیمار مبتلا به اختلال روانی که برای تعیین مسئولیت کیفری به بخش روانپزشکی پزشکی قانونی ارجاع شده بود، یافته‌های تحقیق حاکی است که از ۱۳۰ بیمار مورد بررسی، بیشترین مجرمان را بیماران مبتلا به اختلال شخصیت تشکیل داده‌اند. شدیدترین جرایم را بیماران سایکوتیک به‌ویژه

اسکیزوفرنی و اختلال هذیانی مرتکب شده بودند. همچنین شیوع جرم در این بیماران با جنس مذکر، مجرد بودن، عدم پذیرش درمان و سرپار خانواده بودن ارتباط معناداری داشت؛ در حالی که با عواملی مثل سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی خانواده، مصرف الکل و مواد مخدر، سابقه بروز جرم در بستگان نزدیک و طول مدت بیماری ارتباطی نداشت. شدت جرم فقط با نوع بیماری مرتبط بوده و ارتباطی با سایر عوامل ندارد. همچنین تعداد قابل ملاحظه‌ای از مجرمان دارای اختلال شخصیت ضد اجتماعی که معمولاً اولین ریشه جرم‌زایی را در بیماران مبتلا به اختلالات روانی به خود اختصاص می‌دهند، مربوط به ارتکاب جرایم خشونت آمیز از ناحیه افراد مزبور است. می‌توان رابطه‌ای منطقی بین حضور افراد در منازعات منتهی به صدمات بدنی و اختلالات روانی کشف کرد. (بحرینیان و همکاران، ۱۳۸۱، ۱۶۸)

-طرق پیشگیری کیفری از جرم منازعه

منظور از پیشگیری کیفری، اعمال مجازات‌ها و اقدامات مؤثر با استفاده از ابزارهای سرکوبگرانه جهت مقابله با جرایم است. یکی از اهداف مجازات‌ها جلوگیری از ارتکاب جرم از طریق ارعاب است. همان‌گونه که بن‌تام استدلال می‌کند، چنانچه رنج تحمل مجازات از لذت تحصیل احتمالی منافع جرم بیشتر باشد، مجرم آن بالقوه از ارتکاب جرم خودداری خواهد کرد. جنبه ارعابی مجازات‌ها از دو طریق موجب پیشگیری از وقوع جرایم از جمله جرم منازعه می‌شود.

الف-پیشگیری عمومی از جرم

مجازات‌ها با ایجاد ترس در توده مردم مانع می‌شوند تا دیگران از مبادرت به ارتکاب جرم در آینده امتناع نمایند البته تأثیر مجازات‌ها از نظر جلوگیری جرم، بیش از آنکه مربوط به ترس از صدمه احتمالی ناشی از مجازات (مانند چند سال زندان) باشد، به واکنش اعضای جامعه نسبت به مشروعیت مجازات و وضع اجتماعی مجرم بستگی دارد. اگر جامعه رفتاری را بد بداند و نسبت به آن واکنش نشان دهد، جنبه بازدارندگی جرم خیلی بیشتر از وقتی است که قانون، آن را جرم دانسته ولی جامعه به آن واکنش نشان ندهد. مثلاً در مورد فرار از مالیات اگرچه قانون آن را جرم شناخته، این فعل قبیح زیادی در جامعه ندارد. به‌طور کلی میزان نفوذ و موفقیت نظام جزایی از نظر جلوگیری از ارتکاب جرم در آینده بستگی کامل و قطعی با میزان هماهنگی هنجارها و مجازات‌ها با ارزش‌های فرهنگی جامعه دارد. (ابراهیمی، ۱۳۸۹، ۱۶)

ب-پیشگیری فردی از جرم

اصولاً مجازات‌ها باید باعث شوند که مرتکب جرم به‌علت تحمل سختی و مشقت اعمال مجازات، در آینده از ارتکاب جرم خودداری کند. هرچه شدت قبح رفتار ارتكابی در نظر جامعه بیشتر باشد، مجازات تعیین‌شده نیز باید شدیدتر لحاظ شود. در سیاست جنایی ایران، جرم منازعه مورد جرم‌انگاری قرار گرفته و با ابزارهای کیفری با آن مقابله می‌شود. مقنن در ماده ۶۱۵ ق.م.ا (بخش تعزیرات) به تشریح جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای ارتکاب آن پرداخته است. شاید در بدو امر چنین به نظر رسد که مجازات قانونی در نظر گرفته شده برای منازعه با مؤلفه‌های مدنظر رویکرد سزادهی، دارای تناسب است زیرا افراد شرکت‌کننده در نزاع با رفتار خود باعث برهم زدن نظم جامعه و از بین بردن ارزش‌های مورد حمایت اکثریت مردم شده، در نتیجه مدیون جامعه تلقی شده و مستحق مجازات محسوب می‌شوند اما با نگاهی به میزان مجازات مندرج در قانون به این نتیجه می‌رسیم که مقنن شدت و خطر جرم منازعه و میزان سرزنش‌پذیری مرتکب را چندان مورد توجه قرار نداده است. این مجازات‌ها چندان جنبه بازدارندگی ندارد و از تکرار جرم جلوگیری نمی‌کند بنابراین این میزان مجازات، نسبت به نتایج جرم و قابلیت سرزنش آن در جامعه و اخلال در نظم و آسایش عمومی، سبک است و مقنن باید نسبت به تناسب در سزادهی و کارآمدی آن تجدیدنظر کند. (صانعی، ۱۳۷۶، ۱۶۰)

-پیشگیری اجتماعی از جرم منازعه

این پیشگیری با ایجاد تغییرات و اصلاحات در فرد و جامعه به دنبال جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی است که خود به دو نوع تقسیم می‌شود؛ پیشگیری جامعه‌مدار و پیشگیری رشدمدار. پیشگیری اجتماعی رشدمدار به دنبال آن است تا با شناسایی عوامل خطر، تقویت عوامل حمایتی و مداخله زودرس، از پایداری افراد در بزهکاری جلوگیری کند. پیشگیری جامعه‌مدار نیز شامل اقدامات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پیش‌گیرنده‌ای می‌شود که نسبت به محیط‌هایی که فرد در آن‌ها کار و زندگی می‌کند، اعمال می‌شود. (چاله چاله، ۱۳۸۷، ۵)

-نتیجه‌گیری

پیشگیری از جرم یکی از اصول مهم سیاست جنایی است که برای مهار پدیده مجرمانه به کار می‌رود. این امر از آن چنان اهمیتی برخوردار است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشگیری از وقوع جرم را در بند ۵ اصل ۱۵۶ از اهداف قوه قضاییه برشمرده است. اقدامات پیشگیری از وقوع جرم در نهادهایی که در فرآیند جامعه‌پذیری افراد نقش دارند دارای کارکرد اساسی است.

جرم منازعه از جمله جرایم علیه اشخاص است که اصولاً در جوامع توسعه‌نیافته و به دور از روش‌های حل منازعات مبتنی بر عقلانیت، بروز و ظهور می‌یابد. قانونگذار ایران در ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی جرم صدمات بدنی در اثنای منازعه را پیش‌بینی کرده است.

اما با توجه به پژوهش پیش رو به نظر می‌رسد مجازات‌های مقرر در ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی جنبه بازدارندگی ندارد و مانعی برای جلوگیری از ارتکاب جرم توسط منازعه‌کنندگان به شمار نمی‌رود لذا اصلاح این ماده و تغلیظ مجازات‌ها در ماده فوق‌الذکر به نحوی که جنبه بازدارندگی داشته باشد ضروری است. از لحاظ پیشگیری اجتماعی لازم است که سنت میانجیگری در رفع اختلافات محلی به‌عنوان یک امر ضروری از طریق متولیان امر توسعه یابد و همچنین از رشد خرده فرهنگ‌های انحرافی در جامعه با راه‌کارهایی از قبیل توسعه آموزش همگانی و جلوگیری از ترویج خشونت به‌ویژه از طریق رسانه‌های همگانی اقدام لازم انجام شود.

-منابع

۱. آقای‌نیا، حسین، ۱۳۹۲، جرایم علیه اشخاص، چاپ ۹، تهران، میزان
۲. ابراهیمی، شهرام، رجبی، ابراهیم، پیشگیری در نظریه‌های جرم‌شناسی و گستره محدودیت آن، ۱۳۸۹، مجله تخصصی علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۳
۳. احمدی، حبیب، جامعه‌شناسی انحرافات، ۱۳۸۸، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت
۴. بحرینیان، سید عبدالمجید، مقصودلو، صفا، قدوسی، آرش، بررسی شیوع و شدت جرایم در بیماران مبتلا به اختلالات روانی، پژوهش در پزشکی، ۱۳۸۱، سال ۲۶، شماره ۳
۵. حاجی‌تبار فیروزجایی، حسن، جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، ۱۳۸۶، انتشارات فردوس

۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۰، ترمینولوژی حقوق، صص ۱۶۵
۷. چاله چاله، فرشید، اصول و مبانی پیشگیری از جرم، خرداد و تیر ۱۳۸۷، ماهنامه حقوق، دادرسی، شماره ۶۸
۸. رحمدل، منصور، ۱۳۸۷، قتل و صدمه بدنی در منازعه، پژوهش‌های حقوق، شماره ۱۴
۹. رستمی تبریزی، لمیاء، درآمدی بر رویکرد جنسیتی جرم‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰
۱۰. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶، چاپ هفتم، جلد ۲
۱۱. مداح، مجید، ۱۳۹۰، تحلیل اثر فقر و نابرابری درآمدی بر جرم (سرقت) در سطح استان‌ها، کشور، پژوهش‌نامه اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۳۲۳-۳۰
۱۲. میرمحمد صادقی، حسین، ۱۳۸۸، ملاحظاتی در موضع پیشگیری از وقوع جرم، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۵ (شماره ۳۵ - ۳۶)
۱۳. میرمحمدصادقی، حسین، ۱۳۸۶، جرایم علیه اشخاص، چاپ ۱، تهران، میزان
۱۴. کی‌نیا، مهدی، مبانی جرم‌شناسی، ۱۳۸۴، جلد اول، چاپ هفتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۱۵. کی‌نیا، مهدی، آمار جنایی، بهمن ۱۳۵۶، حقوق «مهنامه قضایی» شماره ۱۴۳
۱۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۷، مباحثی در علوم جنایی (تقریرات جزوه درس جامعه‌شناسی جنایی)، نگاشته رزیتا دارویی، ویراست پنجم
۱۷. نجفی‌توانا، علی، جرم‌شناسی، ۱۳۸۱، چاپ دوم، تهران، نشر سنجش و آموزش
۱۸. وجدانی فخر، عطیه، الهی‌منش، فاطمه، الهی‌منش، محمدرضا، بررسی اقدامات تأمینی و تربیتی به عنوان برای تأمین امنیت و دفاع اجتماعی و اصلاح مجرم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، نشریه حقوق و مطالعات سیاسی، دوره ۲، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، ۱۶۰-۱۷۱